

بررسی تطبیقی آرای جعفر نکونام و محمدعلی رضایی اصفهانی پیرامون تفسیر گزاره‌های علمی قرآن

زهرا محقیان*

محمد رضا حاجی اسماعیلی**

چکیده

در قرآن کریم در آیات بسیاری پیرامون برخی گزاره‌های علمی سخن رفته که ذیل آن‌ها آرای مختلفی بیان شده است. در این راستا، پژوهش حاضر در تلاش است به بررسی و واکاوی دیدگاه‌های دو نظریه پرداز مطرح در میان فارسی‌زبانان یعنی دیدگاه‌های جعفر نکونام و محمدعلی رضایی اصفهانی بپردازد تا در نهایت اثبات کند علت اختلاف دیدگاه‌ها تفاوت پیش فرض‌های هر یک در تحلیل گزاره‌های علمی قرآن کریم است. برای نیل بدین هدف، پس از بسط و تبیین مسئله، مهم‌ترین پیش فرض‌ها در تحلیل این گونه آیات بیان و آرای صاحب نظران ذکر شده ذیل آن‌ها شرح داده می‌شود. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که پیش فرض‌ها نقش بسیار مؤثری در تحلیل گزاره‌های علمی قرآن دارند و نگاه ظاهری یا نگاه علمی به این گونه آیات مبتنی بر دخالت پیش فرض‌هایی چون زبان قرآن، جامعیت قرآن و تفاوت مخاطب آیات الهی است.

کلیدواژه‌ها: گزاره‌های علمی قرآن، نگاه ظاهری، نگاه علمی، پیش فرض‌ها، محمدعلی رضایی اصفهانی، جعفر نکونام.

۱. مقدمه

یکی از شاخه‌های علوم قرآنی شناخت روش تفسیری است؛ قرآن بر اساس روش‌ها و

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) z.mohaghegh89@yahoo.com

** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان M.Hajisl@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۸/۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۹

گرایش‌های مختلفی همانند روش تفسیر قرآن با قرآن، قرآن با روایت، قرآن با عقل و باطنی و علمی تفسیرپذیر است (مؤدب، ۱۳۹۰: ۱۲-۱۴). تفسیر علمی نیز یکی از روش‌های تفسیر قرآن کریم است که در قالب روش‌های فرعی متفاوتی انجام می‌پذیرد که، از این میان، برخی به تفسیر معتبر و صحیح منتج می‌شود، اما برخی دیگر ممکن است به تفسیر به رأی منتهی شود. همین مطلب موجب رد تفسیر علمی از سوی برخی صاحب‌نظران همانند جعفر نکونام (نکونام، ۱۳۹۲ الف: ۶۹۶؛ نکونام، ۱۳۸۱: ۱۹) و تأیید آن از سوی گروهی دیگر همانند محمدعلی رضایی اصفهانی شده تا جایی که دسته دوم حتی آن را یکی از راه‌های اثبات اعجاز قرآن معرفی کرده‌اند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۹: ۲۳).

به طور کلی تفسیر علمی تاریخچه‌ای دراز دارد و قدمت آن به زمان ابوعلی سینا (قرن سوم و چهارم) بازمی‌گردد. اما اعجاز علمی قرآن، که از بطن تفسیر علمی متولد شده، عمری کوتاه دارد و فقط در قرون اخیر مورد توجه مسلمانان و غیر مسلمانان واقع شده و بر همین اساس نیز کتاب‌هایی پیرامون آن به نگارش درآمده است. از میان مفسران حاضر، تفسیر نمونه به صورت گسترده به موارد اعجاز علمی قرآن اشاره کرده؛ احمد عمر ابوحجر نیز در رساله دکتری خویش به این موضوع پرداخته است. در میان خاورشناسان نیز، مورس مورکای نویسنده کتاب مقایسه‌ای میان تورات و انجیل، قرآن و علم از کسانی است که رویکردی مثبت به اعجاز علمی قرآن دارد و به طور مبسوط آن را شرح و بسط داده است.

در این راستا، پژوهش حاضر با هدف تطبیق آرای موافقان و مخالفان اعجاز علمی قرآن به بررسی دیدگاه‌های دو نظریه‌پرداز در زمینه تفسیر علمی قرآن کریم است) و جعفر نکونام (که از پژوهش‌گران حوزه پژوهش‌های دینی است) می‌پردازد ۱ و، پس از بیان دیدگاه‌های هر یک پیرامون گزاره‌های علمی قرآن، نحوه مواجهه هر یک را با این گزاره‌ها بررسی می‌کند. در ادامه، پس از بیان مسئله و دیدگاه‌های این دو صاحب‌نظر در این حوزه، مهم‌ترین پیش‌فرض‌های مؤثر در تبیین گزاره‌های علمی قرآن بیان و آرای این صاحب‌نظران ذیل آن شرح و بسط داده می‌شود. امید است پژوهش حاضر راه را برای سایر تحقیقات آتی در این حوزه بگشاید.

۲. بیان مسئله

در قرآن کریم بیش از ده‌ها آیه پیرامون حقایق علمی جهان وجود دارد که برخی از آن‌ها فقط با نگاه ظاهری^۲ سازگارند و در تعارض یا تضاد با دستاوردهای علمی جدید قرار

دارند؛ برای مثال، خداوند سبحان در قرآن کریم بیان کرده ماه به دنبال خورشید حرکت می‌کند: «وَالْقَمَرَ إِذَا تَلَاها» (شمس: ۲)؛ یعنی سوگند به ماه چون پی [خورشید] رود. هم‌چنین آمده است که این حرکت ماه به دنبال خورشید یا خورشید به دنبال ماه چنان نیست که به هم برسند و به یک‌دیگر اصابت کنند: «لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ» (یس: ۶۰)؛ یعنی نه خورشید را سبزد که به ماه رسد، و نه شب بر روز پیشی جوید، و هر کدام در سپهری شناورند.

در مواجهه با آیات ذکرشده، سؤالات متعددی می‌توان مطرح کرد: اول این که منظور از حرکت ماه در پی خورشید چیست؟ طبق نگاه علمی، ماه و خورشید هرگز به دنبال هم در یک مدار حرکت نمی‌کنند تا حرکت یکی در پی دیگری معنادار باشد؛ زیرا مدار حرکت خورشید به گرد کهکشان راه شیری است، اما مدار حرکت ماه به دور زمین است. هم‌چنین، اگر گفته شود مراد قرآن همین حرکت ظاهری ماه و خورشید است، تعارض آن با دستاوردهای علمی چگونه رفع‌شدنی است؟ و اگر گفته شود منظور قرآن همان حرکتی است که دانش‌مندان امروز با تلسکوپ‌های قوی و محاسبات دقیق علمی کشف کرده‌اند، باید به این سؤالات پاسخ داد که مردم عصر نزول چگونه قرآن را درک می‌کردند؟ آیا آنان از چنین آیاتی هیچ نمی‌فهمیدند و یا آن‌ها را اشتباه می‌فهمیدند؟! به طور کلی، آیا می‌توان گفت این آیات دوپهلوست و تحمل هر دو معنای مذکور را دارد و هیچ قرینه‌ای وجود ندارند که مشخص کند خداوند کدام یک از این دو معنا را مراد کرده است؟

اگر در آن‌ها هیچ قرینه‌ای وجود ندارد، آیا چنین آیاتی را می‌توان برخوردار از فصاحت و بلاغت دانست و ادعا کرد که خدا با این آیات قصد هدایت داشته است؟ در این صورت، چگونه معقول است که خدای حکیم کلامش را به گونه‌ای ایراد کند که هم بتوان از آن معنای باطل فهمید و هم معنای حق؟ و اگر در این آیات قرینه‌ای برای تعیین مراد الهی وجود دارد، آن قرینه چیست؟ و آیا با وجود آن قرینه جایی برای معانی دیگر می‌ماند و صحیح است که از این آیات معنای دیگری غیر از همان معنای معین‌شده با قرینه را فهمید و مراد الهی را همان دانست؟

این‌گونه پرسش‌ها، به همراه نمونه‌های متعدد دیگر، بخشی از شبهات و ابهاماتی است که بسیاری از صاحب‌نظران مطرح کرده‌اند و نیازمند بررسی و پی‌گیری جدی است. به همین منظور، نوشتار حاضر پس از شرح و بسط دو دیدگاه کلی در این موضوع بر آن است تا، با کمک پیش‌فرض‌های هر یک، آرای صاحب‌نظران آن‌ها را با یک‌دیگر مقایسه و ارزیابی کند. البته ارائه نظر نهایی و تعیین صحت و سقم هر دیدگاه خود نیازمند مقال

دیگری است و پژوهش جداگانه‌ای را می‌طلبد؛ به همین دلیل، نگارنده آن را به پژوهش دیگری موکول کرده است.

۳. بیان دیدگاه‌ها

در مورد چنین آیاتی دو رویکرد متمایز در میان صاحب‌نظران وجود دارد: جعفر نکونام، یکی از پژوهش‌گران حوزه پژوهش‌های دینی، معتقد است در این آیات، مطابق نگاه ظاهری و آنچه با چشم غیر مسلح قابل درک است، سخن گفته شده؛ بنابراین مراد از حرکت ماه و خورشید همین حرکت ظاهری آن‌ها در آسمان است (نکونام، ۱۳۹۲ الف: ۶۷۱)؛ اما در مقابل، محمدعلی رضایی اصفهانی، که از نظریه‌پردازان تفسیر علمی قرآن کریم است بر این باور است که در این آیات، طبق نگاه علمی و آنچه با ابزارهای جدید علمی کشف‌شدنی است، سخن رانده شده و بنابراین مقصود از حرکت ماه و خورشید همان حرکت دورانی است که امروزه با تلسکوپ‌ها شناسایی شده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۹: ۸۹).

رضایی اصفهانی، در تأیید نظریه خویش، ابتدا به سراغ روابط چهارگانه مطرح میان علم و قرآن (تداخل علم و قرآن، تعارض کامل علم و قرآن، جدایی مطلق علم و قرآن، سازگاری علم و قرآن) می‌رود و از این میان، بر اساس شواهدی از قرآن و روایات، فقط مورد چهارم را از روح تعالیم و معارف اسلامی استنباط‌شدنی می‌داند که بعد از ذکر چند مقدمه زیر به اثبات خواهد رسید:

مقدمه اول: اسلام در موارد زیاد به علم و عالمان توجه و آنان را تشویق کرده است و حتی آیات زیادی در قرآن هست که مطالب علمی را بیان می‌کند و هر چه علوم تجربی پیشرفت بیشتری یابد، حقایق آن مطالب بیش‌تر کشف می‌شود. پس، جدایی مطلق علم و دین با تعالیم اسلامی و به‌ویژه با آیات قرآن ناسازگار است. در قرآن، گزاره‌های علمی در مورد کیهان‌شناسی (یس: ۲۸، صافات: ۴ و ... و پزشکی (مثل شفا بودن عسل (نحل: ۶۹)) و ... وجود دارد که هر کدام می‌توانند نظریه‌های علمی جدیدی را ارائه یا علوم انسانی را جهت‌دهی کند. پس اسلام مؤید علم قطعی (علوم تجربی همراه با دلیل عقلی) و مشوق آن بوده و علوم قطعی هم مؤید و شاهد اعجاز قرآن است.

مقدمه دوم: تداخل علوم با دین صحیح نیست؛ به همین دلیل نمی‌توان گفت ظواهر قرآن همه علوم بشری را در بر دارد.

مقدمه سوم: تعارضی میان علوم تجربی محض با مطالب علمی قرآن وجود ندارد و همه موارد جمع‌شدنی است.

بر اساس مقدمات یادشده، علوم تجربی با قرآن سازگار است، اما موضوعات آن‌ها تداخل ندارد و موارد تعارضی که ابتدا به نظر می‌رسد به راحتی رفع‌شدنی است. به بیان دیگر، رابطه قرآن و علم سازگاری، تعامل سازنده و تأیید متقابل است؛ هم قرآن به علم تشویق می‌کند و هم علم شگفتی‌ها و اعجازهای علمی قرآن را تأیید و هر روز مطلب جدیدی از حقایق علمی قرآن را کشف می‌کند. قرآن و علوم بشری تعارض حقیقی ندارند و اگر تعارض ظاهری باشد، با تأمل و کاربست راه‌کارهای مختلف رفع‌شدنی است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۱).

رضایی اصفهانی، در ادامه، آیات علمی قرآن را در حوزه‌های مختلف که بیش از نیمی از قرآن را تشکیل می‌دهند به چهار دسته کلی زیر تقسیم کرده است:

۱. **اشارات علمی قرآن:** آیاتی که اشاره به طبیعت، انسان، حیوانات و ... کرده و انسان را به تفکر واداشته و به طور کلی زمینه‌ساز رشد علمی انسان‌اند؛ همانند خلقت شتر (أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ) (غاشیه: ۱۷).

۲. **شگفتی‌های علمی قرآن:** مطالب علمی شگفت‌انگیز که قبلاً در علم مطرح شده؛ همانند حرکت زمین (وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسِبُهَا جَمَادَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ ...) (نمل: ۸۸) یا پیدایش حیات از آب «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ» (انبیا: ۳۰).

۳. **اعجازهای علمی:** رازگویی‌های علمی مطرح در قرآن که در زمان نزول کسی از آن‌ها اطلاع نداشته و بشر آن‌ها را مدت‌ها بعد از نزول کشف کرده؛ همانند نیروی جاذبه (خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بغيرِ عَمَدٍ تَرْوَاهَا) (لقمان: ۱۰) یا حرکت خورشید (وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا) (یس: ۳۸) یا قانون زوجیت (وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ) (ذاریات: ۴۹).

۴. **نظریه‌پردازی‌های علمی قرآن:** مطالبی که هنوز علم بدان دسترسی پیدا نکرده و از نظر تجربی اثبات نشده‌اند اما، با توجه به سرچشمه وحی یعنی الهی بودن، دلیلی بر نفی آن مطالب علمی وجود ندارد. نمونه‌های نظریه‌پردازی قرآن عبارت‌اند از: الف) حوزه علوم طبیعی (کیهان‌شناسی، زیست‌شناسی، پزشکی و ...) و ب) حوزه علوم انسانی (علوم تربیتی، اقتصاد، حقوق و ...).

در مقابل دیدگاه رضایی اصفهانی و قائلان به اعجاز علمی قرآن، جعفر نکونام قرار دارد که یکی از صاحب‌نظران حوزه پژوهش‌های دینی است که به طور کلی تفسیر علمی و اعجاز علمی قرآن را رد می‌کند و آن را نوعی تفسیر به رأی می‌پندارد. وی معتقد است که قرآن کتابی است که به زبانی رسا و قابل فهم برای عرب حجاز عصر پیامبر (ص) نازل شده

تا آنان را از عقاید و سنن باطل به عقاید و سنن صحیح راه‌نمایی کند و، از ره‌گذر آن، زندگی اخلاقی و انسانی آنان را سامان دهد. اعجاز علمی در قرآن، به این معنا که عرب عصر نزول مراد الهی از آیات قرآن را درک نکرده و انسان‌ها امروزه قادر به کشف آن شده‌اند، باطل است (نکونام، ۱۳۸۱: ۲۰). از نظر وی، بر اساس روایات منقول از ائمه (ع) که «خدا هرگز به گونه‌ای که مردم نفهمند سخن نمی‌گوید» یا «هر که معتقد باشد قرآن مبهم است هم خود را هلاک کرده و هم دیگران را به هلاکت انداخته است»، هدف خداوند در قرآن کریم طرح معما یا ایجاد مسئله برای انسان نیست، بلکه غرض وی هدایت بشر و رساندن انسان به خانه سعادت است و خداوند هرگز رمزآلود و گنگ سخن نمی‌گوید (نکونام، ۱۳۹۲ الف: ۶۷۳؛ نکونام، ۱۳۹۲ ب).

به طور کلی، از نظر نکونام، حاصل اعجاز علمی این است که مقاصد قرآن را مخاطباننش یعنی عرب حجاز عصر پیامبر (ص) نفهمیدند و اکنون دانش‌مندان معاصر، بعد از قرن‌ها، بر اثر کشفیات علمی قادر به فهم مقاصد قرآن شده‌اند. وی این ادعا (اعجاز علمی قرآن) را به دلایل زیر باطل می‌داند:

۱. لازمه این ادعا آن است که نه فقط عرب عصر نزول مقاصد الهی را نفهمیده یا اشتباه فهمیده، بلکه این نفهمی یا کج‌فهمی تا قرن‌ها نیز ادامه داشته است. بدین طریق، عربی مبین بودن قرآن و هدایت‌بخشی آن مورد تردید واقع می‌شود.

۲. اگر گفته شود منظور قرآن همان دستاوردهای نوین علمی است که دانش‌مندان امروز با تلسکوپ‌های قوی و محاسبات دقیق علمی کشف کرده‌اند، باید به این سؤالات پاسخ داد که مردم عصر نزول چگونه قرآن را درک می‌کردند؟ آیا آنان چنین آیاتی را هیچ نمی‌فهمیدند و یا اشتباه می‌فهمیدند؟ و آیا اگر آنان این آیات را نمی‌فهمیدند، نزول این آیات خطاب به آنان عبث نبود؟ و آیا معقول است که از خدا فعل عبث سر بزنند؟ و اگر آنان این آیات را اشتباه می‌فهمیدند، آیا مستلزم این نیست که خدا آن مردم را گمراه کرده و آیا گمراه کردن با شأن خداوند سازگار است؟

۳. آن‌چه از آن به عنوان اعجاز علمی یاد می‌شود در مورد چیزهایی است که هرگز از قرآن به دست نمی‌آیند و اگر به دست می‌آمدند لازم نبود علوم جدید آن‌ها را به ما بگویند. مدعیان اعجاز علمی چیزهایی را از علوم جدید فراگرفته‌اند و بر قرآن تحمیل می‌کنند. آشکار است که این چیزها ربطی به قرآن ندارد. ما هرگز نمی‌توانیم مفاهیمی را که از خود قرآن فهمیده نمی‌شود و از غیر قرآن مثل علوم جدید می‌فهمیم به قرآن نسبت دهیم. این تحمیل آرای بشری بر قرآن است و تفسیر به رأی است و حرام.

۴. مخاطب قرآن عرب حجاز عصر پیامبر (ص) است. بنابراین، قرآن در اوج فصاحت و بلاغت در سطح فهم ایشان و به قصد هدایت ایشان نازل شده؛ پس معنا ندارد مقاصد الهی برای ایشان قابل فهم نباشد.

۵. به عنوان بطون قرآن نمی‌توان مفاهیمی را به قرآن نسبت داد که هیچ ملازمه منطقی با معنای عرفی و متعارف و قابل فهم آن نداشته باشد. فهم بطون قرآن به معنای فهم لوازم منطقی آیات قرآن هم به ائمه (ع) اختصاص ندارد، بلکه هر کس که بتواند در لوازم آیات تدبر کند می‌تواند به آن‌ها دسترسی داشته باشد.

۶. ادعای مبهم بودن قرآن تالی فاسد دارد، نه ادعای فصاحت و بلاغت داشتن قرآن. اگر ادعا شود قرآن مبهم است، لازمه‌اش این است که یا خدا سطح فهم مخاطبان قرآن را نمی‌دانسته و یا به زبان آنان آگاهی کافی نداشته و یا قصد سرگردانی و گیج کردن مخاطبان را داشته یا می‌خواسته آنان را گمراه کند که همه این لوازم باطل است. امام باقر (ع) در حدیثی فرموده‌اند: «من زعم ان القرآن مبهم فقد هلك و اهلك؛ هر که بپندارد قرآن مبهم است هم خود را نابود کرده و هم دیگران را» (نکونام، ۱۳۹۲ پ).

بنابراین، از نظر نکونام، ادعای اعجاز علمی قرآن قابل قبول نیست، چرا که اعتقاد به آن به واسطه ماورایی ساختن قرآن انسان را به خیال‌بافی، افسانه‌سرایی و خرافه‌پردازی می‌کشاند و در نهایت او را از غرض نزول قرآن، که هدایت آدمی است، دور می‌کند (نکونام، ۱۳۸۱: ۲۰-۲۱).

با توجه به موارد گفته‌شده، ضرورت بررسی و واکاوی دیدگاه‌های پیش‌گفته مشخص شده و چنین به نظر می‌رسد که اختلاف دو رویکرد در تفاوت پیش‌فرض‌های صاحبان آن‌هاست. به همین دلیل در ادامه سعی نوشتار بر آن است تا با توجه به پیش‌فرض‌های هریک از این صاحب‌نظران به بررسی علت اختلاف رویکردهای ایشان بپردازد.

۴. پیش‌فرض‌ها و پیش‌دانسته‌ها در تفسیر گزاره‌های علمی قرآن کریم

به مجموعه چستی علوم ثابت، غیر ثابت، داده‌های علمی، غیر علمی، اندیشه‌ها و گرایش‌های دینی، مذهبی، حزبی و ... که مدخل و مقدمه فهم، شناخت و تفسیر باشند و در نتیجه در فهم تأثیرگذار باشند پیش‌فرض گفته می‌شود. البته از این لفظ تعبیر مختلفی چون پیش‌داوری، پیش‌فهم، پیش‌ساختار و چشم‌انداز در لسان اندیشمندان به چشم می‌خورد (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۲۵).

به طور کلی، هر نوع تفسیری از متون مقدس از جمله تفسیر علمی و تبیین گزاره‌های علمی قرآن در گرو پیش‌فرض‌ها و پیش‌دانسته‌های شخص مفسر است؛ زیرا هر مفسری بر اساس پیش‌فرض‌ها و پیش‌دانسته‌های خویش معنی متون را آشکار می‌کند و در پرتو آن‌ها به متن رنگ و بو می‌دهد (نصری، ۱۳۸۱: ۱۲۳).

بر این اساس، در تفسیر گزاره‌های علمی قرآن نیز میان دو قرآن‌پژوه معاصر ناگزیر از بررسی پیش‌فرض‌ها و پیش‌فهم‌های هر یک هستیم، چرا که به نظر می‌رسد سبب این اختلاف نظرها تفاوت پیش‌فرض‌های صاحبان آن‌هاست. برای مثال، نکونام، که قائل به حقانیت نگاه ظاهری است و گزاره‌های علمی قرآن را بر اساس آنچه با چشم غیر مسلح رؤیت‌شدنی است حمل می‌کند، بر این پیش‌فرض است که مخاطب قرآن عرب عصر پیامبر اسلام (ص) است و خداوند در قرآن با آنان طبق معهودات و سطح درکشان سخن گفته است (نکونام، ۱۳۹۲ الف: ۶۷۳-۶۷۴)؛ اما رضایی اصفهانی، که معتقد به اعجاز علمی قرآن است و معتقد است که در این آیات طبق نگاه علمی و آنچه با ابزارهای جدید علمی کشف‌شدنی است سخن رانده شده، بر این پیش‌فرض است که مخاطب قرآن همه مردم در همه اعصارند. به همین رو، در قرآن پاره‌ای از آیات وجود دارند که مردم در عصر نزول از فهم مراد آن‌ها ناتوان بودند؛ اما در دوره معاصر بر اثر پیش‌رفت دانش توانسته‌اند به مراد آن آیات پی ببرند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۹: ۳۲؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶ ب: ۲۵).

بنا بر آنچه آمد، روشن شد که ریشه اختلاف نظرها اختلاف پیش‌فرض‌ها و نامنقح بودن آن‌هاست. اینک ضروری به نظر می‌رسد که برخی از مهم‌ترین پیش‌فرض‌هایی که می‌توانند در فهم درست آیات مورد بحث به کار آیند بررسی و مدلل شود.

۱.۴ زبان قرآن

منظور از زبان قرآن در این نوشتار زبان به معنای لغت و صرف و نحو نیست، که به این معنا زبان قرآن عربی است «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (یوسف: ۲) و از قواعد صرفی و نحوی آن پیروی می‌کند؛ بلکه منظور از زبان قرآن بررسی این معناست که خداوند با چه زبانی و در چه قالب و فضایی با مردم سخن گفته و از چه طریق و به چه صورت پیام خویش را به مردم رسانده است (سعیدی روشن، ۱۳۹۱: ۲۱). از این رو، می‌توان گفت موضوع اصلی زبان قرآن ارزیابی مفاهیم، گزاره‌ها و آموزه‌های قرآن است که از منظر دیدگاه‌های گوناگون پژوهش می‌شود و آرای متفاوتی پیرامون آن وجود دارد.

رضایی اصفهانی زبان قرآن را زبانی متفاوت با زبان عرب حجاز عصر نزول تلقی می‌کند و منشأ آن را وحیانی بودن قرآن می‌داند و به موجب آن می‌گوید:

زبان قرآن عرف عام صرف نیست؛ زیرا از زبان علمی، ادبی و اصطلاحات خاص و ... استفاده کرده که هر یک معانی و ویژگی‌های خاص خود را دارد، بلکه زبان عرف خاص است که، ضمن واقع‌نما و معرفت‌بخش بودن، چندساحتی است و دارای کارکردهای گوناگون هدایتی، عاطفی، علمی، واقع‌نمایی و ... است که مهم‌ترین کارکرد آن هدایت بشر به سوی خداوند است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸: ۹۶).

از نظر وی، قرآن گاهی از زبان مجاز، تمثیل، استعاره، رمز و نمادانگاری اخص بهره برده، اما دروغ در آن راهی ندارد. بنابراین زبان قرآن، علاوه بر روش عام فهم کلام عقلا، دارای روش‌شناسی خاص خود در فهم و تفسیر است (همان: ۹۷)؛ یعنی روش فهم و تفسیر قرآن از مبانی و قواعد خاصی تبعیت می‌کند و پیش‌فرض‌های بنیادین و خاص خود را در فهم و تفسیر دارد و هر نوع تفسیر به رأی در آن ممنوع است، در حالی که زبان عرف عام را با اصول عقلایی محاوره و عرفی می‌توان فهم و تفسیر کرد (همان: ۸۴).

رضایی اصفهانی سپس در آثار خویش زبان عرف خاص را به چند گونه تقسیم کرده که یکی از این انواع زبان علمی است که در نحوه مواجهه با آن رویکردهای مختلفی مطرح شده؛ از جمله بی‌معنایی گزاره‌های قرآنی به دلیل تجربه‌ناپذیری آن‌ها، علم‌زدگی در تفسیر آیات قرآن، استنباط گزاره‌های علمی از قرآن بدون تحمیل بر آیات (همان: ۸۵-۸۸).

رویکرد اول و دوم به دلیل نداشتن تناسب و سازگاری با ظواهر قرآن پذیرفتنی نیست (همان: ۸۷). بر اساس رویکرد سوم نیز، گزاره‌های علمی متعددی در قرآن وجود دارد که شیوه برداشت از آن‌ها نیز متفاوت است و به چند گونه اتفاق می‌افتد: استخراج همه جزئیات علوم از قرآن، تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن، استخدام علوم در فهم و تفسیر آیات قرآن، نظریه‌پردازی و جهت‌دهی به علوم انسانی بر اساس آموزه‌های قرآن (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰: ۷۱-۷۵؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۹: ۲۴-۲۵).

دو شیوه اول و دوم از نظر مبنا و پیامد صحیح نیست، اما شیوه سوم و چهارم، با رعایت ضوابط، صحیح است (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰: ۷۲-۷۳؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸: ۸۸؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶ الف: ۷۲). البته لازم نیست تمامی ویژگی‌های گزاره‌های علمی (مثل نبودن مجاز و دلالت التزامی) در این گونه آیات رعایت شود، چرا که هدف قرآن هدایت است و در این راستا به زبان قوم سخن گفته و از عناصر موجود در زبان قوم مثل مجاز و ... استفاده کرده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸: ۸۹).

اما، در مقابل، نکونام معتقد است:

اگر ما هر زبان را چیزی بدانیم که گروه‌هایی از انسان‌ها آن را برای تفهیم و تفهیم مقاصد خود به یکدیگر به کار می‌برند، طبیعتاً خود را به مشقت نمی‌اندازیم که پیش خود نامی وضع کنیم، بلکه نامی را که خود آن انسان‌ها بر آن زبان نهاده و میان آنان معهود و معروف است شناسایی می‌کنیم و همان نام را بر آن زبان اطلاق می‌کنیم. ما، برای شناسایی یک سخن که آیا از نوع عرف عام است یا عرف خاص و در هر صورت از کدام عرف‌های عام یا خاص است، باید مخاطب آن سخن را مورد مطالعه قرار دهیم. اگر مخاطب آن سخن مثلاً عرب یا فارس است، باید آن زبان را عربی یا فارسی بخوانیم و اگر مخاطب آن سخن گروهی از اهل یک زبان مثل عارفان یا فلاسفه یا فقها و یا علمای تجربی‌اند، باید آن را عرفانی یا فلسفی یا فقهی و یا علمی بنامیم. در خصوص سخن خدا نیز، همین گونه باید رفتار کرد. روشن است که مخاطبان قرآن فرشتگان یا اجنه نیستند و کسی نمی‌تواند ادعا کند که خدا قرآن را به زبان فرشتگان و اجنه نازل کرده است؛ بنابراین زبان قرآن بشری است، نه فرشته‌ای و اجنه‌ای. در میان گروه‌های بشری نیز روشن است که مخاطب قرآن عرب است، نه فارس و ترک و جز آن‌ها. آن هم عرب عصر رسول خدا (ص)، نه عرب همه اعصار؛ به این ترتیب، آنچه در این میان جای بحث دارد این است که بدانیم آیا زبان قرآن به عرف عام عرب عصر رسول خدا (ص) است یا عرف گروه خاصی از آن‌ها. کسی نمی‌تواند ادعا کند هیچ‌یک از سوره‌های قرآن خطاب به گروهی خاص از عرب عصر رسول خدا (ص) مثل شاعران یا منجمان و نظایر آن‌ها نازل شده است. در آن عصر، گروه‌هایی مثل عارفان یا فلاسفه و یا علمای تجربی نیز در میان عرب وجود نداشت. بنابراین چون هیچ‌یک از سوره‌های قرآن مخاطبان خاصی نظیر آنچه آمد نداشته است، باید گفت زبان قرآن به عرف عام عرب عصر رسول خدا (ص) نازل شده است (نکونام، ۱۳۹۲ ب).

به این ترتیب، از نظر نکونام، باید تمامی گزاره‌های قرآن از جمله گزاره‌های علمی آن را چنان‌که متعارف عرف عام عرب عصر رسول خدا (ص) بوده است فهمید؛ نه آن‌چنان‌که علمای تجربی اعصار بعدی از جمله عصر حاضر می‌فهمند.

از دیگر سو، در قرآن پاره‌ای از آیات وجود دارد که مردم عصر نزول از درک آن‌ها عاجز بودند؛ همانند قانون زوجیت عمومی گیاهان (ذاریات: ۴۹) که در قرن هفدهم میلادی کشف شد یا قانون جاذبه (لقمان: ۱۰) یا حرکت خوشید در کهکشان راه شیری (یس: ۳۸) و سایر آیات مشابه. از نظر رضایی اصفهانی، این‌گونه آیات اعجاز علمی قرآن را ثابت می‌کنند (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰ ب: ۶۲) و دلالت بر عرف خاص بودن زبان قرآن دارند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸ ب: ۹۵) و این اوج بلاغت است که کسی طوری سخن گوید که

هر کس و هر نسل به اندازه علم و فهم خود از آن برداشت کند و عظمت قرآن را اثبات می کند (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵: ۷۴).

اما نکونام معتقد است:

خداوند با بشر در چهارچوب ظرفیت عقلی اش سخن می گوید و تکالیف را مقرر می کند. قرآن در زمانی نازل شد که ظرفیت عقلی مخاطبان قرآن در حد نگاه ظاهری بود؛ لذا طبق نگاه ظاهری و بر اساس زبان عرف عام آنان، با آن ها سخن گفته و تکلیف کرده است (نکونام، ۱۳۹۲ الف: ۶۷۴).

بنابراین، تفسیر آیات ذکر شده بر اساس یافته های نوین علمی نوعی تفسیر به رأی است که با ظاهر و سیاق چنین آیاتی که خطاب به آنان نازل شده و طی آن ها از آنان خواسته شده به نشانه های الهی توجه کنند و به قدرت خدا پی ببرند و او را عبادت کنند سازگار نیست. به علاوه، در آیات بسیاری تصریح شده است که قرآن به زبان عربی روشن و آسان نازل شده و هیچ گنگی و عجمگی در آن نیست؛ چنان که آمده است: «كِتَابٌ فَصَّلْتُ آيَاتُهُ قِرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (فصلت: ۳). نیز در ادامه آمده است: «وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قِرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْ لَا فَصَّلْتُ آيَاتُهُ ءَ أَعْجَمِيٍّ وَعَرَبِيٍّ» (فصلت: ۴۴). «لذا نمی توان پذیرفت که آیاتی نازل بشود و عرب عصر پیامبر (ص) به مراد آن ها پی نبرده و یا اشتباه فهمیده باشند» (همان: ۶۷۳).

هم چنین نکونام در پاسخ شبهه ای که چرا، در همان زمان نزول، برخی صحابه مقصود برخی آیات یا مفهوم بعضی الفاظ قرآن را نمی دانستند چنین پاسخ داده است که:

مبین و فصیح بودن قرآن مانند هر کلام دیگری مستلزم این نیست که همه مقاصد و مفاهیم آن را همه کسانی که بدان تکلم می کنند بفهمند، چون در هر کلام فصیحی بسا ممکن است پاره ای لطایف و ظرایف به کار رفته باشد که فهم آن نیازمند تدبر باشد و تنها افراد باریک بین و ظریف اندیش بتوانند آن ها را درک کنند. به علاوه، غرض از عربی مبین بودن قرآن قابل فهم بودن آن برای عرب است و این بدون فهم برخی از الفاظ آن نیز ممکن است. پس کلام فصیح مستلزم آن نیست که همه مردم معنای تمام الفاظ آن را بفهمند؛ بلکه همین که معنای ترکیبی الفاظ آن را دریابند در صدق فصاحت در آن بسنده است (نکونام، ۱۳۷۹ الف: ۲۰۹).

۲.۴ هدف نزول قرآن یا تبیین مفهوم جامعیت قرآن

یکی دیگر از پیش فرض های مهم در تفسیر گزاره های علمی قرآن تبیین مفهوم جامعیت قرآن است که ذیل آیات «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» (انعام: ۳۸) و «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ

تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۸۹) از آن بحث می‌شود. به طور کلی، پرسش اساسی در این بخش آن است که آیا همه علوم بشری و تمامی گزاره‌های علمی در قرآن هست یا نه؟ در جواب، نکونام معتقد است که غرض اصلی الهی در قرآن موعظه و هدایت است، نه بیان گزاره‌های علمی (نکونام، ۱۳۹۲ الف: ۶۷۵)؛ چرا که قرآن کتاب علمی نیست، بلکه کتاب هدایت و موعظه است و بارها نیز خود به این موضوع اشاره کرده است (آل عمران: ۱۳۸). بنابراین، نباید انتظار داشت که در قرآن گزاره‌های علمی و فلسفی آمده باشد (همان: ۶۸۷). از نظر وی، تبیان کل شیء بودن قرآن نیز به معنای وجود هر علمی در قرآن نیست، بلکه به گواهی سیاق آن به این معناست که هرچه به هدایت مشرکان مکه مربوط است در قرآن آمده است (نکونام، ۱۳۹۲ ب).

در مقابل، رضایی اصفهانی نیز می‌پذیرد که غرض اصلی الهی در قرآن موعظه و هدایت است. به همین دلیل، پس از طرح دیدگاه‌های موجود در این زمینه، به این نتیجه می‌رسد که ظاهر آیات قرآن بر تمام علوم بشری (با تمام فرمول‌ها و جزئیات آن) دلالت ندارد. در قرآن، گرچه اشاراتی به برخی از علوم شده که استطرادی و عرضی است، همه علوم بالفعل در قرآن مذکور نیست. آیات ذکر شده نیز دلالت بر این مطلب دارند که تمام احتیاجات دینی و هدایتی مردم در قرآن به تفصیل یا مجمل ذکر شده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۹: ۲۱-۲۲). در مورد این که خداوند از بیان مطالب علمی در قرآن چه هدفی داشته، رضایی اصفهانی معتقد است:

بیان مطالب علمی از اهداف قرآن است، چون اعجاز قرآن را ثابت می‌کند؛ ولی هدف اصلی و عمده قرآن نیست. این مطلب خصوصاً با این نکته روشن می‌شود که آیاتی که همه چیز را به قرآن نسبت می‌دهد (تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ) در مورد هدایت و دین است؛ پس هدف اصلی هدایت انسان و بیان معارف دینی است، ولی یکی از اموری که مربوط به دین است اثبات اعجاز قرآن است و یکی از ابعاد اعجاز قرآن اعجاز علمی آن است. از این رو مطالب علمی قرآن در برخی موارد خود از اهداف قرآن است، اما از اهداف عمده و اصلی نیست (همان: ۲۲-۲۳).

وی، در یکی از آثارش، پس از طرح دیدگاه‌های موجود در این زمینه به این نتیجه می‌رسد که گرچه ظاهر آیات قرآن بر تمام علوم بشری (با تمام فرمول‌ها و جزئیات آن) دلالت ندارد، نمی‌توان قرآن را فقط کتاب هدایت و دین دانست و مدعی شد که قرآن برای بیان مسائل علوم تجربی نیامده، بلکه باید در این زمینه به سبب برخی مثال‌ها و اشارات علمی صحیح و به حق موجود در قرآن که بیان‌گر اعجاز علمی قرآن است و

نیز با توجه به این که قرآن بارها و بارها انسان را به تفکر و علم دعوت می‌کند، قائل به تفصیل شد (همان: ۲۱).

اما نکنونام با ردّ این مدعا و اساساً انکار اعجاز علمی قرآن بیان مطالب علمی را از اهداف قرآن نمی‌داند، بلکه هدف قرآن از بیان گزاره‌های علمی و حتی گزاره‌های غیر علمی را تسهیل امر هدایت می‌داند؛ زیرا از یک کتاب موعظه توقع نمی‌رود که فیزیک و شیمی و نجوم مردم در آن اصلاح شود. بنابراین هیچ اشکالی ندارد که در قرآن گزاره‌های علمی یا غیر علمی برای تسهیل هدایت و موعظه ذکر شود (نکنونام، ۱۳۹۲ الف: ۶۷۴، ۶۸۷). البته بهره‌برداری از خیالات باطل یا غیر علمی هرگز به معنای تأیید آن نیست، بلکه بر اساس سطح فهم مخاطب و رعایت حال او در امر هدایت است. خداوند برای هدایت عرب عصر نزول بر اساس نگاه ظاهری آن‌ها به پدیده‌ها و با توجه به واقعیات قابل درک برای آن‌ها سخن گفته، ولو آن‌که با نگاه علمی تفاوت و حتی تعارض داشته باشد (همان: ۶۷۸-۶۷۹).

بنابراین مشخص می‌شود که هر دوی این صاحب‌نظران هدف قرآن را هدایت می‌دانند؛ با این تفاوت که رضایی اصفهانی هدایت را هدف اصلی می‌داند که سایر اهداف فرعی هم چون اهداف علمی به منظور اثبات اعجاز علمی قرآن نیز در پی آن خواهد آمد؛ اما نکنونام معتقد است که قرآن فقط کتاب هدایت است و برای بیان مسائل علوم تجربی نیامده است. هم‌چنین، از نظر رضایی اصفهانی، هدایت مخصوص تمامی انسان‌هاست، اما نکنونام هدایت را، به گواهی سیاق آیه، مخصوص مشرکان مکه می‌داند.

۳.۴ مخاطب قرآن

یکی دیگر از پیش‌فرض‌های مهم در تبیین گزاره‌های علمی قرآن در نظر گرفتن مخاطب کلام است، زیرا گوینده آگاه به ویژگی‌های مخاطب از سخن خود معانی ناسازگار با فهم او را اراده نمی‌کند (بابایی، ۱۳۸۵: ۱۷۱). از آن‌جا که قرآن کریم نیز بر مبنای اصول عقلانی محاوره سخن گفته، نتیجه می‌گیریم که در قرآن کریم نیز ویژگی‌های مخاطب قرینه کلام است و هنگام تفسیر و فهم مفاد ظاهری آیات کریمه باید به آن توجه شود و ظهور آیات با توجه به آن به دست آید (همان: ۱۷۲).

در این راستا، رضایی اصفهانی معتقد است قرآن برای یک نسل خاص نازل نشده و این‌که با مرور زمان مطالب تازه‌ای از قرآن فهمیده یا کشف می‌شود دلیل عظمت قرآن است. این اوج بلاغت است که کسی به گونه‌ای سخن گوید که هر کس و هر نسل به اندازه علم خود از آن برداشت کند (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵: ۷۴). وی در جای دیگری بیان می‌دارد:

قرآن کتابی جاوید برای همهٔ زمان‌ها و نسل‌ها و کتابی جهانی برای همهٔ مکان‌ها و ملت‌هاست. از این رو در قید زمان و مکان اسیر نمی‌شود، بلکه آیات آن، همان طور که بر مردم صدر اسلام تطبیق می‌شود، بر مردم زمان‌های دیگر نیز جاری است. در برخی احادیث نیز به این مطلب اشاره شده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶: ۵۱).

از نظر رضایی اصفهانی، اگر آیات قرآن منحصر به مخاطبان صدر اسلام باشد، قرآن به کتابی تاریخی تبدیل می‌شود و می‌میرد. مطابق قاعدهٔ جری و تطبیق نیز، قرآن هر روز هدایت و مطلب تازه‌ای دارد و هر روز مصداق‌های جدیدی در نسل‌های بشری پیدا می‌کند (همان: ۵۹) و این همان رمز جاودانگی اسلام است. این که مردم در هر عصری به یک‌سری واقعیات قطعی علمی جاهل باشند موجب باطل شدن اعجاز علمی قرآن نمی‌شود، بلکه همین مطلب خودش دلیل اعجاز علمی قرآن است که آورندهٔ قرآن از قطعیات علوم اطلاع داشته و دانش مندان، حتی در دوران حاضر، اطلاع کافی ندارند و هرچه علم پیش‌تر پیش‌رفت کند مطالب علمی قرآن روشن‌تر می‌شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵: ۷۵). وی برای تأیید نظر خویش مؤیداتی را نیز از قرآن و روایات نقل کرده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶: ۵-۱۰).

اما در مقابل نکونام معتقد است قرآن کریم بر حسب حاجات و مقتضیات مردم عصر رسول خدا (ص) نازل شده؛ یعنی مخاطبان قرآن عرب حجاز عصر پیامبر (ص) هستند و دلیل آن که قرآن به زبان عربی نازل شد چیزی جز این نبود که مخاطبان قرآن عرب‌زبانان بودند (ابراهیم: ۴) و علت آن که به تدریج نازل شد چیزی جز این نبود که خدای تعالی خواسته بود حالات و نیازها و ظرفیت‌های آن مردم رعایت شود (نکونام، ۱۳۹۲: الف: ۶۹۱؛ نکونام، ۱۳۸۱: ۲۰).

وی سپس نمونه‌های بسیاری را مثال می‌زند که همگی حاکی از آن است که قرآن به تناسب شرایط متفاوت و متغیر زمانی و مکانی متعلق به مکان و زمان رسول خدا (ص) نزول یافته و در نهایت بیان می‌دارد که:

مخاطب قرآن را عرب حجاز عصر پیامبر (ص) دانستن بدان معنا هم نیست که قرآن تنها به ایشان تعلق دارد و برای مردمان دیگر زمان‌ها و مکان‌ها کارآمد نیست، زیرا اسلام دین فطری است (روم: ۳۰) و آموزه‌های آن متناسب با نیازهای فطری نازل شده که از زمانی و مکانی به زمان و مکان دیگر تغییر نمی‌یابند ... بنابراین، آن دسته از آموزه‌های قرآن که ناظر به فطریات است برای هر عصر و نسلی کارآمد است، اما آن دسته از آموزه‌های قرآن که به اقتضای شرایط محیطی و مقطعی نازل شده، بی‌شک، برای مکان و زمان‌هایی که آن شرایط در آن حاکم نیست نمی‌تواند کارآمد باشد؛ برای مثال، احکام مربوط به برده‌داری و ... که

تنها ویژه عصر رسول خدا بوده و لذا برای زمان‌ها و مکان‌های دیگر بی‌استفاده است. اما این موارد بسیار ناچیز و نادر است و قریب به اتفاق آموزه‌های قرآن به اقتضای فطریات مردم زمان و مکان رسول خدا (ص) نازل شده و لذا برای مکان‌ها و زمان‌های دیگر نیز نافذ و نافع است (همان: ۲۰-۲۱).

از نظر نکونام، اگر ما به این اصل توجه نداشته باشیم، گرفتار تفسیر به رأی، تناقض فهم و توجیحات غیر عقلانی و تکلف‌آمیز خواهیم شد؛ نه قرآن را درست خواهیم فهمید و نه از آیاتش تأثیر خواهیم پذیرفت. حتی تصور خواهیم کرد که قرآن اعجاز علمی دارد؛ یعنی در قرآن پاره‌ای آیات هست که مردم عصر نزول نمی‌فهمیدند و مردمان این عصر از ره‌گذر رشد علوم جدید به شناخت حقایق آن نایل خواهند آمد؛ مثلاً، حرکت خورشید را در آیه «وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ» (یس: ۳۸) حمل بر حرکت خورشید در کهکشان راه شیری خواهیم کرد، حال آن‌که مردم عصر نزول چنین معنایی را از این آیه نمی‌فهمیدند ... از یک طرف می‌گوییم در قرآن بلاغت و فصاحت هست و بنابراین در سطح فهم مخاطبان نازل شده، اما از طرف دیگر می‌گوییم در قرآن آیاتی هست که در سطح فهم مخاطبانش نیست! ... متأسفانه قرآنی را که خداوند از آسمان به زمین آورده تا مخاطبانش بفهمند ما، با ماورایی ساختن آن و اعجاز تراشی‌های بی‌جا، از زمین به آسمان می‌بریم و از دسترس بشر خارجش می‌کنیم (همان: ۲۱). در حالی که قرآن در اوج فصاحت و بلاغت در سطح فهم عرب زمان نزول و به قصد هدایت ایشان نازل شده؛ پس معنا ندارد مقاصد الهی برای ایشان قابل فهم نباشد (نکونام، ۱۳۹۲ الف: ۶۹۱).

اما رضایی اصفهانی با رد این سخن بیان می‌دارد که مطالب علمی قرآن را تا حد مثال‌های ساده پایین آوردن خلاف انصاف است؛ چون مثال برای ساده کردن فهم مطالب گوینده است و گاهی واقعیت و حقیقت ندارد، اما مطالب علمی قرآن حقایق کشف‌نشده‌ای را در بر دارد که پس از قرن‌ها دانش‌مندان را به اعجاب وامی‌دارد و اعجاز علمی قرآن را ثابت می‌کند. این ساده‌اندیشی است که بگوییم قرآن برای یک مطلب یک مثال علمی زده و اتفاقاً صحیح از آب درآمده است. علاوه بر آن، چون این مطالب علمی یک بعد از اعجاز قرآن را نشان می‌دهند، پس از حد مثال بالاترند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۹: ۲۳).

بنابراین، هم رضایی اصفهانی و هم نکونام، در نظر گرفتن ویژگی‌های مخاطب را به عنوان قرینه‌ای برای فهم گزاره‌های علمی قرآن قبول دارند؛ با این تفاوت که در پیش‌فرض رضایی اصفهانی مخاطب قرآن تمامی انسان‌ها در تمامی اعصار و مکان‌هایند و قرآن به گونه‌ای سخن گفته که هر کس و هر نسل به اندازه علم خود از آن برداشت می‌کند؛ اما از

نظر نکونام، مخاطبان قرآن عرب حجاز عصر پیامبر (ص) هستند و در صورت غفلت از این اصل گرفتار تناقض فهم و توجیحات غیر عقلانی و تکلف‌آمیز خواهیم شد.

۵. بررسی تطبیقی یک نمونه از تفسیر گزاره‌های علمی از نظر رضایی اصفهانی و نکونام

یکی از گزاره‌های علمی چالش‌برانگیز قرآن آیه «وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرًّا لَهَا» (یس: ۳۸) است که پیرامون حرکت خورشید بحث می‌کند و یکی از نشانه‌های الهی برای شناخت خداوند شمرده شده تا انسان، در پرتو آن، به خداوند و قدرت او پی ببرد. این آیه بر اساس پیش‌فرض‌های متفاوت دیدگاه‌های متفاوتی را برمی‌تاباند.

از نظرگاه رضایی اصفهانی، از آن‌جا که قرآن بر زبان عرف خاص سخن گفته و کشفیات جدید علمی موجب واضح‌تر شدن و گویاتر شدن مفاهیم علمی قرآن می‌شوند و نیز با توجه به این‌که مخاطب قرآن تمامی انسان‌ها در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها، این آیه را باید بر اساس دستاوردهای نوین علمی تفسیر کرد. وی بر این اعتقاد است که تفسیر آیه بر اساس نگاه ظاهری، یعنی حرکت خورشید از مشرق به مغرب، حرکتی کاذب و ناشی از خطای حس باصره است؛ زیرا در واقع زمین در حرکت است، نه خورشید. همان‌طور که شخص سوار بر قطار خانه‌های کنار جاده را در حرکت می‌بیند، در حالی که در عالم واقع قطار در حرکت و خانه‌های کنار جاده ساکن است. در مورد این آیه نیز، با پیش‌رفت علوم بشری، روشن شد که نه تنها زمین، بلکه خورشید هم دارای حرکت انتقالی (نه حرکت کاذب، بلکه واقعی) است.

رضایی اصفهانی سپس، بعد از بیان نظرهای مفسران قدیم و معاصر، پنج حرکت علمی ثابت‌شده برای خورشید را بیان کرده^۳ و، ضمن تخمین سایر حرکت‌های کشف‌نشده برای خورشید، بیان می‌دارد که:

اگر به گونه قطعی اثبات شد که خورشید در حرکت است، با توجه به ظاهر آیه که می‌گوید خورشید در جریان است، می‌توان گفت به احتمال قوی منظور قرآن حرکت واقعی خورشید یعنی حرکت انتقالی یا سایر حرکت‌های کشف‌شده و کشف‌نشده برای آن است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶: پ: ۱۲).

حال آن‌که سخن ایشان در سایر آثارشان بیان‌گر روایتی متفاوت است؛ یعنی حرکت واقعی را فقط حرکت انتقالی خورشید معرفی کرده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵: ۸۱). به بیان دیگر، رضایی اصفهانی از یک سو نتیجه گرفته که آیه ذکرشده از مطالب علمی قرآن و

نوعی رازگویی است و بنابراین به طور قطع نمی‌توان یکی از احتمالات علمی (چه کشف‌شده و چه کشف‌نشده) را برگزید و، از سوی دیگر، بر اساس ظاهر آیه و نیز سیاق «یسبحون» (یس: ۴۰)، در تفسیر آیه حرکت انتقالی یعنی حرکت دورانی خورشید در یک مدار ثابت را انتخاب کرده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۹: ۷۷-۸۹).

وی، در پاسخ به این پرسش که «آیا اشارات علمی قرآن در مورد حرکت‌های خورشید اعجاز علمی قرآن را ثابت می‌کند یا نه؟» قائل به تفصیل شده و گفته:

بخشی از این حرکت‌ها، چون قبلاً توسط کتاب مقدس گزارش شده بود، اعجاز علمی نیست؛ اما آن بخشی که توسط کتاب مقدس گزارش نشده بود و توسط قرآن، بر خلاف هیئت بطلمیوسی، بیان شد اعجاز علمی قرآن است (همان: ۸۹-۹۰).

بنابراین، از نظرگاه رضایی اصفهانی، نمی‌توان به طور قطع معنای آیه را استنباط و تعیین کرد که منظور آیه کدام یک از حرکت‌های کشف‌شده به کمک علم است. در مقابل، نکونام با ردّ این سخنان و ادعای حقانیت نگاه ظاهری بر آن است که این آیه بر حرکت ظاهری خورشید در آسمان دلالت دارد، حتی اگر با نگاه علمی مخالف باشد. وی بیان می‌دارد:

مدعیان اعجاز علمی قرآن هرگز پاسخ نمی‌دهند که چگونه عرب عصر نزول می‌توانستند از حرکت خورشید با این معانی ادعایی به قدرت خدا پی ببرند؟ اگر از آن مردم پرسیده می‌شد خورشید حرکت می‌کند به چه معناست، آیا نمی‌گفتند: مگر نمی‌بینی که خورشید از شرق به غرب حرکت می‌کند؟ به‌علاوه، آیا جز این است که پدید آمدن شب و روز از همین حرکت ظاهری خورشید پدید می‌آید؟ (نکونام، ۱۳۹۲: ب).

از نظر نکونام،

حمل آیه مذکور بر حرکت خورشید در کهکشان راه شیری نه تنها با فصاحت و بلاغت قرآن ناسازگار می‌افتد، که با سیاق آن نیز نامتناسب است؛ زیرا آیه بعد نیز ناظر به همین حرکت ظاهری خورشید است و حتی در آن از پدید آمدن شب و روز سخن رفته است. حال آن‌که روشن است که پدیده شب و روز از ره‌گذر حرکت خورشید در کهکشان راه شیری حاصل نمی‌شود، بلکه از ره‌گذر همین حرکت ظاهری خورشید که معهود مردم عصر نزول بوده است و دانش‌مندان این عصر آن را به حرکت زمین به دور خورشید تأویل می‌برند حاصل می‌شود (نکونام، ۱۳۸۱: ۲۰).

نکونام، بر خلاف رضایی اصفهانی، نگاه ظاهری به آیه ذکرشده را نگاهی کاذب نمی‌داند و در بیان تفاوت دیدگاه خویش با دیدگاه رضایی اصفهانی بیان می‌دارد که:

«تفاوت نگاه ظاهری به حرکت خورشید با نگاه علمی به آن ناشی از نگرستن به یک چیز از دو زاویه متفاوت است» (نکونام، ۱۳۹۲ الف: ۶۷۶). سپس، برای توضیح و تبیین دیدگاه خویش، مثال رضایی اصفهانی را تکمیل می‌کند و می‌گوید:

تفاوت نگاه ظاهری به حرکت خورشید با نگاه علمی به آن مثل نگاه سرنشینان قطار در حال حرکت به درختان و دیگر اشیای اطراف قطار است. آنچه را که سرنشینان قطار مشاهده می‌کنند این است که درختان و دیگر اشیای بیرون قطار در حال حرکت به سمت عقب‌اند؛ اما کسانی که بیرون از قطارند آن اشیاء را ثابت و خود قطار را در حال حرکت به سمت جلو می‌بینند. حال، اگر سرنشینان قطار دربارهٔ مشاهدات خود بگویند: ببینید که این اشیاء چطور حرکت می‌کنند و چه مناظر زیبایی از جلو چشم ما می‌گذرد، هیچ سخن ناحقی نگفته‌اند. آنان آن چیزی را توصیف کرده‌اند که با نگاه ظاهری خود دیده‌اند. همین‌گونه است وقتی با نگاه ظاهری به آسمان نگرسته می‌شود، مشاهده می‌گردد که خورشید از مشرق به مغرب حرکت می‌کند. بنابراین در قرآن همین نگاه ظاهری انعکاس یافته است (همان: ۶۷۶-۶۷۷).

وی هم‌چنین در تأیید نظر خویش بیان می‌دارد که:

از نشانهٔ حقانیت نگاه ظاهری قرآن این‌که، حتی هم‌اکنون که توسعهٔ علمی به گونهٔ انفجاری رو به پیش است، وقتی می‌خواهند از حرکت ماه و خورشید خبر بدهند، می‌گویند خورشید در حال بالا آمدن است ... و یا خورشید و ماه از مشرق طلوع می‌کنند و در مغرب غروب می‌نمایند. وقتی حتی در عصر حاضر که نظریهٔ خورشیدمرکزی مشهورترین است و بلکه نظریه‌ای اجماعی است باز با تکیه بر نگاه ظاهری از خورشید و ماه و حرکت‌های ظاهری آن‌ها سخن گفته می‌شود، چرا باید انتظار داشت، در عصر پیامبر (ص) که هیچ اثری از دانش نجوم جدید مطرح نبوده، طبق نجوم جدید سخن گفته شده باشد؟ (همان: ۶۷۳).

بنابراین، از نظرگاه نکونام، با عرف عام پنداشتن زبان قرآن و در نظر گرفتن ویژگی‌های عرب عصر نزول به عنوان مخاطبان آیات الهی، باید آیه را بر اساس همان حرکت ظاهری تفسیر کرد؛ در غیر این صورت گرفتار تناقض فهم و توجیه‌های غیر عقلانی و تکلف‌آمیز خواهیم شد.

۶. نتیجه‌گیری

مهم‌ترین یافتهٔ پژوهش حاضر آن است که علت اصلی اختلاف آرای جعفر نکونام و

محمدعلی رضایی اصفهانی در تفسیر گزاره‌های علمی قرآن تفاوت پیش‌فرض‌ها و دخالت و تأثیر آن‌ها در تفسیر این نوع گزاره‌هاست. بنابراین، در مواجهه با گزاره‌های علمی قرآن کریم و تلاش برای تبیین و تفسیر آن‌ها، پیش‌فرض‌ها و پیش‌فهم‌ها بسیار نقش‌آفرین‌اند و تأثیر بسیار مهمی دارند.

توجه به زبان قرآن و در نظر گرفتن مخاطب اصلی این کتاب از مهم‌ترین پیش‌فرض‌ها و پیش‌فهم‌های مؤثر در تفسیر گزاره‌های علمی قرآن است. محمدعلی رضایی اصفهانی، با عرف خاص پنداشتن زبان قرآن و توجه به جهانی بودن رسالت اسلام، معتقد است در این آیات طبق نگاه علمی و آنچه با ابزارهای جدید علمی کشف‌شدنی است سخن رانده شده؛ اما جعفر نکونام، با رد این مدعا و عرف عام دانستن زبان قرآن و با اعتقاد به این‌که مخاطب این کتاب فقط عرب عصر نزول است، بر آن است که در این آیات مطابق نگاه ظاهری و آنچه با چشم غیر مسلح قابل درک است سخن گفته شده است.

هم‌نکونام و هم رضایی اصفهانی غرض و هدف اصلی قرآن را هدایت انسان می‌دانند و معتقدند که تبیان بودن قرآن برای همه چیز به معنای وجود هر علمی در قرآن نیست، بلکه منظور تمامی امور مربوط به هدایت و سعادت انسان است؛ با این تفاوت که رضایی اصفهانی، با توجه به فرازمانی و فرامکانی بودن قرآن، هدایت را هدف اصیلی می‌داند که سایر اهداف فرعی هم چون اهداف علمی به منظور اثبات اعجاز علمی قرآن نیز در پی آن خواهد آمد؛ اما نکونام، با رد ادعای اعجاز علمی قرآن و با باطل دانستن آن، هدایت‌مندی قرآن را محصور در زمان و مکان نزول می‌داند و از سیاق آیات برای تأیید ادعای خویش بهره می‌جوید؛ بنابراین، در نظر وی قرآن فقط کتاب هدایت مشرکان است و برای بیان مسائل علوم تجربی نیامده است.

یکی از نمونه‌های تأثیر پیش‌فرض‌ها در تفسیر گزاره‌های علمی در آیات مربوط به حرکت خورشید رخ می‌دهد که اختلاف در زبان قرآن و تعبیر مختلف پیرامون تعیین مخاطب قرآن تفسیرهای متفاوتی را برای آیه سبب می‌شود. اگر مطابق دیدگاه جعفر نکونام قائل شویم که قرآن خطاب به مردم زمان و مکان رسول خدا (ص) نازل شده تا آنان را هدایت کند و لذا لزوماً به زبان و در سطح فهم آن‌ها نزول یافته، باید حقایق نگاه ظاهری یعنی حرکت ظاهری خورشید در آسمان را که با چشم غیر مسلح قابل درک است بپذیریم؛ اما، در صورت پیروی از دیدگاه محمدعلی رضایی اصفهانی یعنی عرف خاص پنداشتن زبان قرآن و فرازمان و فرامکان دانستن هدف هدایتی آن، اعجاز علمی قرآن ثابت می‌شود و حرکت خورشید را باید بر اساس دستاوردهای علمی جدید تفسیر کرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. شایان ذکر است این دو نظریه‌پرداز، یعنی نکونام و اصفهانی، دو نظریه‌پرداز مطرح در میان فارسی‌زبانانند که گرچه پیش از ایشان افراد دیگری در این حوزه این‌ها را مطرح کرده و هوادارانی داشته‌اند، در میان صاحب‌نظران فارسی‌زبان معاصر، دیدگاه‌های این دو بزرگوار از دیدگاه‌های سایر صاحب‌نظران فارسی‌زبان، شهرت بیش‌تری یافته و، بر همین اساس، نوشتار حاضر فقط به این دو بزرگوار پرداخته است.
۲. چنان‌که در ادامه نوشتار بیان می‌شود، مراد از نگاه ظاهری دریافت‌هایی است که با چشم غیر مسلح قابل درک است و مراد از نگاه علمی یافته‌هایی است که با کمک ابزارهای جدید علمی به دست می‌آید.
۳. حرکت انتقالی دورانی، انتقالی طولی، حرکت وضعی، حرکت زمانی و حرکت درونی پنج حرکت علمی ثابت‌شده برای خورشیدند که حرکت انتقالی دورانی از عبارات کتاب مقدس ذکر شده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۹: ۹۰).

منابع

- قرآن کریم.
- بابایی، علی‌اکبر (۱۳۸۵). روش‌شناسی تفسیر قرآن، قم: پژوهش‌گاه حوزه و دانشگاه.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۹۰ الف). شبهات جدید قرآنی، تأملی در مطالب دکتر سروش پیرامون قرآن، قم: دفتر نشر معارف.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۹۰ ب). «نظریه‌پردازی‌های علمی قرآن»، پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، ش ۹.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی و محسن ملاکاظمی (۱۳۸۹). اعجازها و شگفتی‌های علمی قرآن، قم: زمزم هدایت.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۸ الف). «تفسیر علمی از دیدگاه مفسران شیعه»، مجله شیعه‌شناسی، س ۷، ش ۲۶.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۸ ب). «زبان قرآن، عرف عام یا عرف خاص»، پژوهش‌نامه علوم و معارف قرآن کریم، س ۱، ش ۳.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷). «رابطه قرآن و علم و راه‌کار حل تعارض ظاهری آن‌ها»، مجله قرآن و علم، ش ۲.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۶ الف). منطق تفسیر قرآن، قم: نشر جامعه المصطفی‌العالمیه.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۶ ب). «تجلی جاودانگی قرآن در قاعده جری و تطبیق»، فصل‌نامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، ش ۲۵.

- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۶پ). «قرآن و نیازهای علمی معاصر»، مجله قرآن و علم، ش ۱.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۷۵). «علم‌محوری در تفسیر قرآن کریم»، فصل‌نامه بینات، س ۳، ش ۹.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۷۶). درآمدهای بر تفسیر علمی قرآن، قم: اسوه.
- سعیدی روشن، محمدباقر (۱۳۹۱). زبان قرآن و مسائل آن، قم: پژوهش‌گاه حوزه و دانشگاه.
- گلشنی، مهدی (۱۳۸۵). از علم سکولار تا علم دینی، تهران: پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۲). تعدد قرائت‌ها، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- مؤدب، سید رضا (۱۳۹۰). روش‌های تفسیر قرآن، قم: دانشگاه قم.
- نکونام، جعفر (۱۳۹۲الف). «حقانیت علم ظاهری در قرآن»، مجموعه مقالات نخستین کنگره بین‌المللی قرآن کریم، انسان و جامعه، مشهد: دانشگاه آزاد اسلامی.
- نکونام، جعفر (۱۳۹۲ب). «معناسازی و اعجاز‌تراشی‌های بی‌جا برای قرآن»، برگرفته از سایت شخصی در تاریخ ۱۱ اسفند ۱۳۹۲: <http://www.nekoonam.parsiblog.com/Archive/>
- نکونام، جعفر (۱۳۹۲پ). «پاسخ نقدی درباره خاص بودن مخاطبان قرآن و عام بودن هدایت آن»، برگرفته از سایت شخصی در تاریخ ۱۱ اسفند ۱۳۹۲: <http://www.nekoonam.parsiblog.com/Posts/>
- نکونام، جعفر (۱۳۸۷الف). «تحلیل ظاهر و باطن قرآن»، صحیفه مبین، ش ۱۸.
- نکونام، جعفر (۱۳۸۷ب). «روش تفسیر ظاهر قرآن»، صحیفه مبین، ش ۱۹.
- نکونام، جعفر (۱۳۸۶). «عربی مبین»، مجله خردنامه همشهری، ش ۱۵.
- نکونام، جعفر (۱۳۸۴). «معناسازی توصیفی سماوات در قرآن»، مجله پژوهش دینی، ش ۹.
- نکونام، جعفر (۱۳۸۲). «روش تفسیر باطن قرآن کریم»، پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، پیش شماره ۲.
- نکونام، جعفر (۱۳۸۱). «راز بیگانگی جوانان نسبت به آموزه‌های قرآن»، مجله گلستان قرآن، ش ۱۴۰.
- نکونام، جعفر (۱۳۷۹الف). «بررسی چند شبهه در مورد زبان قرآن»، مجله مدرس علوم انسانی، ش ۹.
- نکونام، جعفر (۱۳۷۹ب). «زبان قرآن گفتاری یا نوشتاری»، پژوهش‌های فلسفی - کلامی، ش ۳.
- نکونام، جعفر (۱۳۷۸). «عرفی بودن زبان قرآن»، صحیفه مبین، ش ۲۰.
- نصری، عبدالله (۱۳۸۱). راز متن، تهران: آفتاب توسعه.